



وضعیت نامطلوب حقوق بشر در افغانستان

کجه پنج‌شنبه ۲۰ قوس سال روان برابر بود با ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر. از این روز در سراسر جهان گرامی‌داشت به عمل می‌آید. حقوق بشر یکی از مباحث بنیادی برای انسان‌ها در هر زمان و مکان بوده است. انسان امروز، انسان حق‌مدار و نسبت به حقوق و ارزش‌های انسانی خود بسیار حساس است. رعایت حقوق بشر یکی از اصل‌های مهم نظام بین‌الملل و کشورها است. اما متأسفانه هنوز هم حقوق بشر در کشورهای زیادی به گونه‌های مختلف نقض می‌شود. انسان‌های زیادی به دلایل گوناگون از حقوق خود محروم می‌شوند. این روند در کشورهای جهان سومی به ویژه در افغانستان پیدای می‌کند. این کشور هنوز در رده کشورهای قرار دارد که بلندترین میزان نقض حقوق بشر در آن جریان دارد.

افغانستان در نیم قرن اخیر درگیر جنگ‌ها و خون‌ریزی‌های زیادی بوده است که تأثیر منفی و جدی بر حقوق بشر گذاشته است. در این چهار دهه اکثر گروه‌های که به قدرت رسیدند، اعتنا و تمکینی به حقوق بشر نکردند. پس از شکل‌گیری نظام پسا، بحث حقوق بشر یکی از مباحث بنیادی و مهم برای جامعه جهانی، حکومت و شهروندان افغانستان بوده است. تأکید و تلاش برای رعایت حقوق بشر بیشتر از هر زمان دیگر بالا گرفته است. اما بنا به دلایل گوناگون، هنوز افغانستان از کشورهای است که بالاترین آمار نقض حقوق بشر را داراست. هر روز در گوشه و کنار این کشور ده‌ها مورد خشونت، تعدی و ستم بر انسان‌ها به ویژه زنان، انجام می‌شود که نقض صریح حقوق بشر به شمار می‌رود.

کمیسیون مستقل حقوق بشر و نهادهای دیگر که در این عرصه فعالیت می‌کنند، نقش نظاره‌گر و گزارش‌ده دارند. تأثیر مستقیم و موثر کار این نهادها بر بهبود وضعیت حقوق بشر در افغانستان چندان ملموس نبوده است. جامعه جهانی که از نظام و حکومت افغانستان حمایت گسترده می‌کند، نیز اقدام جدی در راستای حل مشکلات حقوق بشری و جلوگیری از این پدیده زشت و رویه‌ی ناپسند نکرده است. حکومت افغانستان در شماری از موارد خود حقوق شهروندان این کشور را نقض کرده است و هیچ نهاد و مرجع را برای رسیدگی به موقع، منصفانه و بی‌طرفانه‌ی

تعهدات حقوق بشری دولت افغانستان براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی

تضمین بهره‌مندی زنان از این حقوق می‌باشد. بر اساس این کنوانسیون، دولت افغانستان موظف است تا برآورده شدن حقوق ذیل را که در مواد ۲ تا ۱۷ کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است برای بانوان کشور تضمین نماید:

۱. برابری زنان و مردان در مقابل قانون و تضمین آن؛

دولت افغانستان براساس واقعیت‌های جاری جامعه، به این تعهد خویش عمل نکرده است. با گشت‌وگذار

در این تحلیل تلاش داریم تا درآمدی داشته باشیم بر میزان اجرایی شدن تعهداتی که دولت افغانستان پس از عضویت در این کنوانسیون‌ها ملزم به اجرای آن شده است. در این تحلیل اشاره‌ای خواهیم داشت به کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که دولت افغانستان در سال ۲۰۰۳ م آن را امضا نمود. این کنوانسیون که به حقوق بشری «نیمه‌ی مونث» جامعه تأکید خاص دارد تنها حقوق اساسی زنان را برای دولت‌ها بیان نکرده بلکه کنوانسیون یاد شده، یک دستور کاری برای دولت‌ها جهت

مرد اعلام می‌دارند. «در بند ۳ ماده ۵۵ اساسنامه سازمان ملل متحد احترام جهانی و موثر به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه و بدون تبعیض از لحاظ قوم، نژاد، جنسیت، زبان و دین مورد تأکید قرار گرفته است و عضویت افغانستان در این سازمان به معنای پذیرش تمام قوانین مندرج در اساسنامه ملل متحد می‌باشد. افغانستان پس از سرنگونی رژیم طالبان در سال ۱۳۸۰ و شکل‌گیری حکومت جدید بر مبنای دموکراسی، عضویت در بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی را پذیرفته است.



تحلیل

ضیا احسانی

کجه حقوق بشر از مفاهیم اساسی است که پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ م وارد ادبیات حقوقی-سیاسی روزمره جهان شد. اساسنامه سازمان ملل متحد پرچم‌دار چند معاهده‌ای بود که به ایجاد حقوق بشر بین‌المللی کمک کرد. در مقدمه این اساسنامه آمده است که: «مردم عضو ملل متحد، ایمان خود را به حقوق بشر، کرامت و ارزش‌های انسانی و تساوی حقوق زن و



عکس از: International Medical Corps

وضعیت حقوق بشر در افغانستان

موارد نقض حقوق بشری افراد در افغانستان شامل خشونت با زنان، خشونت با کودکان، خشونت و سلب حقوق افراد در محلات سلب آزادی، تبعیض علیه اقلیت‌های قومی-مذهبی، محرومیت افراد دارای معلولیت و قربانی شدن افراد ملکی در اثر جنگ و منازعه است.

صفحه ۲



گزارش

مسعود اختیاری

وضعیت حقوق بشری زنان در بامیان؛ افزایش ارقام خشونت‌ها نشان از چه دارد؟

قبل رشد داشته است. فعالان حقوق بشر و حامیان حقوق زنان در بامیان نیز می‌گویند که زنان و دختران به حقوق شان تاحدودی دسترسی دارند، اما خشونت علیه زنان هنوز در این ولایت به میزان قابل توجه اتفاق می‌افتد و هنوز هم تا رسیدن به وضعیت



مطلوب راه درازی در پیش است. حکیمه علیزاده فعال حقوق بشر در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیم‌رخ گفت که در برخی ساحه‌ها عرف سنتی و فقر سبب شده است که هنوز زنان در دسترسی به اولیترین حقوق شان محدودیت داشته باشند.

بامیان امن آیا مکان امنی برای زنان نیز است؟ در ظاهر که این طور نیست. گزارش ده ماهه خشونت با زنان در افغانستان که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از ماه جنوری تا اکتبر امسال، نشان می‌دهد که بامیان بعد از

ولایت‌های کابل و قندهار با ۳۷۸ مورد رتبه سوم را به عنوان ولایتی با بیشترین آمار خشونت علیه زنان کسب کرده است. مسوولان ریاست امور زنان ولایت بامیان نیز تأیید می‌کنند که در ۸ ماه امسال ارقام اعمال خشونت علیه زنان در برابر نسبت به سال

نقض حقوق بشری کودکان در افغانستان

سال جاری به تعداد ده میلیون کودک در افغانستان از آموزش باز مانده‌اند و دروازه‌های مکتب‌ها از تدابیر پیش‌گیرانه‌ی وزارت معارف بسته شدند. آموزش آنلاین نیز به دلیل ضعف اقتصادی خانواده‌ها و نبود اینترنت و ابزارهای مورد نیاز موثر نبوده است.

نجیب‌الله اخلاقی، رییس محافظت اطفال در وزارت کار و امور اجتماعی به هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «آمار کودکان کارگر تا پیش از بحران کرونا ۲۰۱ میلیون کودک بود که از این میان ۱۰۳ میلیون آنان، مصروف انجام کارهای شاقه بوده‌اند، اما این آمار اکنون و بعد از شیوع ویروس کرونا به شدت افزایش یافته و شمار کودکان کارگر در مجموع به ۲۰۵ میلیون رسیده است که از این میان ۱۰۵ میلیون آنان مصروف کارهای شاقه می‌باشند و تنها در شهر کابل حدود یکصد هزار کودک کارگر وجود دارد.»

ذبیح فرهنگ، رییس نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت که تنها کارهای شاقه و محرومیت از آموزش نیست که حقوق بشری کودکان را نقض می‌کند، بلکه استفاده از کودکان به عنوان سپر انسانی در جنگ و یا سرباز میدان نبرد و اعمال خشونت‌های فزاینده و جنسی از رویدادهای فجیعی است که حقوق کودکان نقض می‌شود.

آقای فرهنگ به هفته‌نامه نیم‌رخ گفت: «گروه‌های مسلح مخالف دولت از کودکان به عنوان



گزارش

عاده آدین

کجه بستر بنیاد معلوماتی که در دیتابیس کمیسیون مستقل حقوق بشر به ثبت رسیده است میزان خشونت در برابر کودکان در شش ماه نخست سال جاری میلادی ۱۴۱ قضیه بوده، اگر چند نسبت به شش ماه اول سال ۱۳۹۸ که در آن ۱۶۳ قضیه به ثبت رسیده بود ۱۳،۵ درصد کاهش را نشان می‌دهد.

از سوی دیگر، معلومات وزارت امور داخله نیز نشان داده است که میزان خشونت در برابر کودکان در دوره قرتین ۳۰ قضیه بوده که ۶۸،۴ درصد کاهش را نسبت به شش ماه قبل از آن که ۹۵ قضیه خشونت در برابر کودکان ثبت شده بود، نشان می‌دهد.

اما مسوولان این نهادها می‌گویند که این کاهش ممکن به دلیل محدودیت رفت‌وآمد در دوره قرتین ناشی از شیوع ویروس کرونا باشد که در نتیجه آن، قربانیان فرصت مراجعه به نهادهای عدلی و قضایی و ثبت قضیه را نداشته‌اند در حالی که اصل آمار خشونت در برابر کودکان ممکن به مراتب پیش‌تر از این بوده باشد. بر بنیاد یافته‌های نهاد محافظت از کودکان در

صفحه ۲

صفحه ۳

صفحه ۳



وضعیت حقوق بشر در افغانستان

گله فعالان و کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گویند حقوق بشر به عنوان یکی از مهم‌ترین ارزش‌های انسانی در افغانستان وضعیت نامناسبی دارد. نقض حقوق بشری شهروندان به اشکال مختلفی صورت می‌گیرد و دسترسی به عدالت نیز بسیار دشوار است.

ذبیح‌الله فرهنگ، رییس نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر در گفت‌وگو با هفته‌نامه نیسرخ گفت: «موارد نقض حقوق بشری افراد در افغانستان شامل خشونت با زنان، خشونت با کودکان، خشونت و سلب حقوق افراد در محلات سلب آزادی، تبعیض علیه اقلیت‌های قومی-مذهبی، محرومیت افراد دارای معلولیت و قربانی شدن افراد ملکی در اثر جنگ و منازعه است.»

موارد نقض حقوق بشر

۱. حقوق زنان

نقض حقوق زنان در سراسر افغانستان به عنوان یک پدیده ضد حقوق بشری و ضد حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی صورت می‌گیرد. خشونت با زنان و محرومیت از حقوق قانونی شان مشکل بزرگی است که دولت افغانستان، نهادهای مدنی و موسسه‌های بین‌المللی در جریان دو دهه اخیر پس از سقوط طالبان برای رسیدگی به آن کار می‌کنند. اما هنوز هم خشونت‌ها علیه زنان برای محرومیت آنان از حقوق اساسی شان در حد نگران‌کننده‌ی وجود دارد.

• خشونت با زنان

خشونت با زنان از بارزترین چالش‌های حقوق بشری در افغانستان به شمار می‌رود. خشونت با زنان طبق قانون منع خشونت علیه زنان به ۲۲ شکل، ممکن اعمال شود. رییس نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید عمده‌ترین قضایای خشونت با زنان که در دفتر این نهاد ثبت می‌شود شامل خشونت فیزیکی؛ خشونت جنسی؛ خشونت روانی و زبانی؛ خشونت‌های حاد مثل قتل، تجاوز جنسی، اختطاف و خودکشی؛ خشونت اقتصادی و محرومیت از حقوق اساسی است. در مجموع در جریان سال روان میلادی ۳۴۷۷ مورد خشونت با زنان در این کمیسیون به ثبت رسیده است.

• زمایش بکارت

در گزارش تحقیقی که به تاریخ یازدهم اکتبر ۲۰۲۰ از سوی کمیسیون مستقل حقوق بشر منتشر شد، انجام آزمایش‌های نسایی یکی از موارد جدی نقض حقوق بشری زنان در افغانستان دانسته شد. در این تحقیق ۱۱۹ زن از ۱۳ ولایت کشور شرکت کرده بودند. نتایج تحقیقات این کمیسیون نشان داد که بیش از ۹۲ درصد معاینه‌های نسایی بدون رضایت زنان صورت می‌گیرد. در توضیح این گزارش آمده است که در جریان سه سال گذشته و بعد از انفاذ کود جزا معاینه عدلی‌طبی را گذرانده در ۱۳ ولایت کشور شرکت نموده و پرسش‌نامه تکمیل نموده‌اند که ۶۲ تن (۴۸٫۸٪) آنان متأهل، ۳۴ تن (۲۶٫۴٪) مجرد، ۱۲ تن (۹٫۳٪) نامزد، ۱۴ تن (۱۰٫۹٪) بیوه و ۷ تن (۵٫۰٪) مطلقه بوده‌اند. هم‌چنین از مجموع ۱۱۹ تن پرسش‌شونده، ۷۸ تن آن‌ها (۶۰٫۴٪) در محابس، ۹ تن (۷٫۶٪) در نظارت خانه‌های پولیس و ۴ تن (۳٫۳٪) باقی‌مانده در خانه‌های امن سکونت داشته‌اند. در ۱۱۹ مورد شامل ۹۰٫۳ درصد معاینه بدون رضایت زن و بدون حکم محکمه ذی‌صلاح انجام شده است.

عوامل نقض حقوق بشری زنان

وجود عرف و سنت‌های ناپسند، نبود امنیت و ضعف در حاکمیت دولت در ولسوالی‌ها و ولایت‌ها، عدم برخورد قاطعانه با مجرمان و فرهنگ معافیت از مجازات، فساد اداری و سوءاستفاده از موقف و وظیفه‌ای، دخالت افراد منتقد در امر رسیدگی به قضایا، دسترسی محدود زنان به عدالت، فعالیت افراد و گروه‌های مسلح غیرمسئول، حمایت ناکافی از قربانیان خشونت علیه زنان، بی‌سوادی و سطح پایین آگاهی مردم، فقر و بیکاری و افزایش اعتیاد به مواد مخدر؛ منعی عوامل اصلی خشونت با زنان در کشور شمرده شده است.

۲. حقوق کودکان

ذبیح‌الله فرهنگ، رییس نشرات کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت که نقض حقوق بشری کودکان

از جمله چالش‌های جدی حقوق بشری در افغانستان است.

به گفته‌ی او، نقض حقوق بشری کودکان در چارچوب اعمالی چون محرومیت از آموزش، محرومیت از دسترسی به خدمات صحتی، انجام کار شاقه و سواستفاده از کودکان در جنگ صورت می‌گیرد.

موارد نقض حقوق بشری کودکان:

- محرومیت از آموزش: ۳/۷ میلیون کودک از آموزش محروم‌اند که ۶۷ درصد آنها را دختران تشکیل می‌دهند.
- محرومیت از دسترسی به خدمات صحتی
- کار شاقه: تنها در شهر کابل یکصد هزار کودک کار وجود دارد ولسی وزارت کار و امور اجتماعی می‌گوید در مجموع حدود دوونیم میلیون کودک کار وجود دارند که از این جمله یک‌ونیم میلیون تن آنان مجبور به انجام کارهای شاقه‌اند.

سلب آزادی افغانستان، افراد به غذای سالم، خدمات صحتی و رابطه با فامیل شان که حقوق اساسی آنها است، دسترسی ندارند.»

۶. جنگ یا منازعه‌ی مسلحانه

نعیم نظری، معاون و کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر می‌گوید منازعه‌ی مسلحانه از مردم افغانستان همواره قربانی می‌گیرد که باعث نقض حقوق بشری آنان شده است.

آقای نظری در برنامه‌ی گرامیداشت از روز جهانی حقوق بشر و روز ملی یادبود از قربانیان جنگ گفت: «طالبان اماکن عامه و افراد ملکی را هدف قرار می‌دهند، حکومت نیز در اثر ضعف مدیریت سردچار نقض بشردوستانه بین‌المللی شده است. سه اصل حقوق بشردوستانه بین‌المللی که شامل تفکیک، احتیاط و تناسب می‌شود صورت نمی‌گیرد. جرایم بین‌المللی همچون قتل عام، جنایت علیه بشریت و جنایت

مسلحانه در افغانستان قرار دارد.»

او افزود که «اگر در مواردی از سوی نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان به افراد ملکی آسیب رسیده باشد ما از لحاظ قانونی رسیدگی کردیم. فعلاً هیچ نوع گزارشی را شاهد نیستیم که در آن از سوی ما به افراد ملکی آسیب رسیده



باشد. در گذشته‌ها اگر رخ داده، هیأت حقیقت‌یاب تشکیل شده، موضوع را بررسی کرده، به ساحه رفته و پس از نتیجه‌گیری هیأت فیصله صورت گرفته است.

این در حالی است که براساس یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر در یازده سال اخیر ۹۵ هزار فرد ملکی و در یک سال اخیر هفت هزار و ۷۰۰ فرد ملکی قربانی جنگ شده‌اند.

عاملان نقض حقوق بشر

آقای فرهنگ در مورد عاملان نقض حقوق بشر در افغانستان، هشت گروه را یادآوری کرد که در شرایط و اماکن مختلف باعث نقض حقوق بشری شهروندان می‌شوند.

۱. گروه طالبان: در اثر جنگ و اعمال ظلم و محدودیت از دسترسی به حقوق بشری در مناطق تحت کنترل شان
۲. گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش): در جنگ، انجام حملات انتحاری و انفجار
۳. گروه‌های مسلح غیرمسئول: کشتار افراد ملکی و ظلم بر مردم محل در مناطق فعالیت شان
۴. گروه‌های نامعلوم: کشتار و ترور افراد و کارمندان دولت
۵. نیروهای ملی دفاعی و امنیتی افغانستان: در میدان جنگ و بیش‌تر در عملیات هوایی در اثر ضعف مدیریت باعث کشتار افراد ملکی می‌شوند.
۶. نیروهای ناتو مستقر در افغانستان: هنگام انجام عملیات هوایی باعث کشتار افراد ملکی می‌شوند.
۷. اعضای خانواده: خشونت با زنان و کودکان
۸. افراد در درون شهر و داخل اداره‌های کار: خشونت با زنان و آزار خیابانی بانوان

جغرافیای نقض حقوق بشر

ذبیح‌الله فرهنگ به هفته‌نامه نیسرخ گفت پنج محیطی که در آنجا بیش‌تر حقوق بشری افراد نقض می‌شود عبارتند از مناطق نامن و درگیر جنگ، خانه که در آن بیش از ۹۵ درصد

خشونت‌ها با زنان صورت می‌گیرد، محلات سلب آزادی (زندان‌ها و توقیف‌خانه‌ها) و اداره‌های کار که در آنجا خشونت‌های فیزیکی، روانی و جنسی بر زنان اعمال می‌شود.

۱. میدان جنگ
۲. خانه
۳. محلات سلب آزادی
۴. مناطق نامن
۵. اداره‌های کار

بیش‌ترین نقض حقوق بشری در مناطق نامن و تحت کنترل گروه‌های مسلح مخالف دولت صورت می‌گیرد که شهروندان از خدمات آموزشی، صحتی و دسترسی به عدالت محروم‌اند.

علل نقض حقوق بشر در افغانستان

پنج علت عمده‌ای که باعث نقض حقوق بشر در افغانستان می‌شود از نظر کمیسیون مستقل حقوق بشر چنین است:

۱. جنگ
۲. فقر
۳. عدم آگاهی افراد از حقوق بشر
۴. عدم حاکمیت قانون
۵. عدم دسترسی افراد به عدالت

با وجود این وضعیت، پروسه صلح دولت با گروه طالبان بر نگرانی‌های مردم در رابطه به بدتر شدن وضعیت حقوق بشری در کشور افزوده است. پیش از این مردم از جنگ و اثرات آن مثل فقر و محرومیت شکایت داشتند که دسترسی به عدالت و حقوق اساسی شان را محدود می‌کند، حالا که گفت‌وگوها برای توافق صلح میان دولت و طالبان در در دوحه پایتخت قطر به همکاری جامعه جهانی جریان دارد؛ شهروندان افغانستان ابراز نگرانی می‌کنند که مبادا حکومت پس از صلح ارزش‌ها، آزادی‌ها و حقوق شان را محدود کند و قربانیان جنگ به عدالت دست نیابند.

در این مورد، خانم بنفشه یعقوبی، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر گفت در نظرگیری حق قربانیان در روند گفت‌وگوهای صلح، یک هدیه نیست؛ بلکه این یک حق بشری و به نفع این روند و مشروعیت‌بخش آن است و هرچه صدای آن‌ها بیشتر شنیده شود، امکان موفقیت روند صلح را بهتر فراهم می‌کند. او افزود که کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان برای تأمین صلح واقعی، خواهان نقش معنادار جامعه مدنی، قربانیان جنگ، زنان کشور و خواست واقعی مردم در روند گفت‌وگوهای صلح است.

ادامه رویکرد

قضایای حقوق بشری ایجاد و تقویت نکرده است.

اکنون شهروندان افغانستان به ویژه زنان و کودکان با مشکلات جدید نقض حقوق بشری مواجه‌اند. علل و عوامل که سبب می‌شود تا حقوق بشر در این کشور به گونه‌ی وحشت‌ناکی نقض شود، فراوان است. اما ناامنی، فقر، بیکاری، نبود مصونیت شغلی، مشکلات خانوادگی از مهم‌ترین عوامل هستند که بر وضعیت حقوق بشر تأثیرات منفی به جا می‌گذارند. صبح روز پنج‌شنبه که برابر با روز جهانی حقوق بشر است، بانو ملاله میوند خبرنگار رادیو تلویزیون انعکاس در ولایت ننگرهار ترور کردند. روزانه ده‌ها مورد خشونت و نقض حقوق بشر نسبت به زنان در این جغرافیا انجام می‌شود. هنوز چشم‌اندازی روشنی هم از بهبود و تغییر وضعیت وجود ندارد.

تازه بحث صلح با طالبان، گروهی که بزرگ‌ترین میزان نقض حقوق بشر را در کارنامه دارد و قرار است در تصمیم‌گیری‌های آینده این کشور نقش داشته باشند، نگرانی‌های زیادی را از جمله نگرانی‌های زنان را برانگیخته است. رویه و رفتار که تا اکنون با این گروه چه از طرف امریکا و چه حکومت افغانستان صورت گرفته، هیچ اعتنایی به حقوق قربانیان جنایت‌های این گروه نشده است. ادامه‌ی این روند با این وضع، می‌تواند تأثیرات جدی و منفی بر وضعیت حقوق بشر بگذارد.

تعهدات حقوق بشری دولت افغانستان براساس کنوانسیون‌های بین‌المللی

کوتاه در شهر محل زندگی مان می‌توانیم به خوبی نمونه‌های عینی نقض ماده ۲ و بند ۱ ماده ۵۱ این کنوانسیون را مشاهده نماییم. برای درک بهتر این موضوع، لازم است به مثالی ساده در اداره پاسپورت و شناسنامه افغانستان اشاره نمایم که در آن زنان برای گرفتن پاسپورت و شناسنامه شهروندی / تذکره برای فرزندان‌شان باید شناسنامه پدر و مدارک شناسایی خانواده شوهرش را ارائه کند و مدارک شناسایی پدر، مادر و نزدیکان درجه یک زن، برای دریافت پاسپورت فرزندانش دارای اعتبار نیست. این از لحاظ اعتبار اسناد یک اصل است. اما در عمل هیچ زنی صلاحیت ندارد برای فرزندش بدون رضایت یک مرد عضو خانواده پاسپورت و یا شناسنامه بگیرد. تغییراتی که در قانون ثبت احوال نفوس قرار بود به وجود بیاید، هنوز نامشخص است.

این مورد تنها بخشی از موارد نقض شده این ماده از کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان است.

ممکن است کسانی بتوانند با استناد به قوانین دینی، توجیهی برای این کار بیابند. اما در جواب منتقدان باید گفت که کنوانسیون‌های بین‌المللی که دولت‌ها آن را امضا می‌کنند به موضوعات نگاه انسانی دارند نه دینی. بنابراین، افغانستان در سال ۲۰۰۳ با امضای این سند مکلف است تا این مانع قانونی را برطرف نماید و به زنان این اجازه را بدهند تا براساس مدارک قانونی دلخواه خویش برای فرزندان‌شان پاسپورت بگیرند، چرا که تبعیض براساس ماده اول این کنوانسیون، قابل شدن هرگونه تمایز، استثنا و محدودیت براساس جنسیت است که بر «به رسمیت شناختن حقوق بشری زنان» و آزادی‌های اساسی آنها و بهره‌مندی و اعمال آن حقوق بر پایه مساوات با مردان، صرف نظر از وضعیت تأهل آنان، در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سایر زمینه‌ها، اثر مخرب دارد یا به صورت اصولی هدفش از بین بردن این وضعیت تعریف شده است.

۲. تغییر الگوهای فرهنگی و اجتماعی:

در ماده پنجم کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان آمده است: «دولت‌های عضو ملزم هستند تا زمینه تغییر آن دسته از الگوهای اجتماعی و فرهنگی که باعث ایجاد تعصبات، باورها، کلیشه‌ها و رفتارهای پست‌انگاره و برتری‌جویانه یک جنس نسبت به

جنس دیگر می‌شود اقدامات لازم را انجام دهند.» مثال‌های زیادی از این الگوهای نادرست اجتماعی و فرهنگی را در سطح جامعه افغانستان می‌توانیم مشاهده نماییم. به طور نمونه در جامعه ما باوری وجود دارد که براساس آن زنان را موجوداتی فریبکار و حيله‌گر می‌دانند و به مردان هم توصیه می‌شود که «در رابطه با زنان محتاط باشید و از آنان دوری نمایید» گرچه دولت افغانستان از سال ۲۰۰۳ بدین سو تلاش‌های خوبی را برای محو این باورهای نادرست انجام داده است اما دلیل اینکه تلاش‌های حکومت چرما منتج به نتیجه‌ی مطلوب نشده است را باید در اعماق سنت‌ها و باورهای

از این اعمال اقداماتی را انجام داده است اما متأسفانه نتیجه خوبی از این اقدامات به دست نیامده است، به کارگیری افراد فاسد در اداره‌های دولتی که هر روز خبرهای فساد اخلاقی‌شان در رسانه‌ها منتشر می‌شود این واقعیت را برجسته می‌سازد که جلوگیری از فحشای زنان ابتدا بایستی از نهاد‌های دولتی آغاز شود تا دولت بتواند با این عمل ناپسند در سطح کشور مبارزه نماید. در ضمن، فرهنگ گله ستانی / قلین و یا پول‌هایی که تحت نام شیربها در بدل فروش دختر هنگام ازدواج به خانواده‌ی دختران پرداخت می‌شود یک الگو و یک رسم فرهنگی است که دولت در این

ماده هشتم این کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد که اقدامات لازم را برای تضمین حضور زنان در سازمان‌های بین‌المللی به عنوان نماینده دولت خود انجام دهند. براساس ماده ۹، دولت‌های عضو باید به زنان حقوق مساوی با



مورد تاکنون اقدامات لازم را انجام نداده و هیچ نوع پالیسی برا جلوگیری از آن ندارد.

۴. حمایت از حقوق سیاسی زنان:

ماده هفتم این کنوانسیون از دولت‌های عضو می‌خواهد که اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در زمینه بهره‌مندی از حقوق سیاسی شان انجام داده و به خصوص اطمینان دهد که زنان به صورت برابر با مردان از حق رأی دادن و رأی گرفتن در همه انتخابات و همه پرس‌های مربوط به تمامی ارگان‌ها برخوردارند. حق شرکت در تعیین

سنتی مردم افغانستان جست‌وجو کرد.

۳. وظایف دولت‌ها در جلوگیری از فروش و فحشای زنان:

ماده ۶ کنوانسیون محو تبعیض علیه زنان، دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که با هر نوع اقدام مورد نیاز از جمله وضع قوانین، از هرگونه معامله زنان و استفاده از آنان در فحشا مقابله کرده و از انجام این اعمال در مورد زنان جلوگیری نماید. دولت افغانستان گرچه در خصوص جلوگیری

مردان در زمینه کسب، تغییر و یا حفظ تابعیت اعطا کنند. مخصوصاً دولت‌ها باید اطمینان دهند که نه ازدواج زن با یک مرد خارجی و نه تغییر تابعیت شوهر طی دوران ازدواج، خود به خود، موجب تغییر تابعیت، بی‌تابعیت شدن و یا تحمیل تابعیت شوهر بر وی نشود. دولت‌های عضو باید در رابطه با تابعیت کودک، به زن حق مساوی با مرد اعطا نمایند.

۵. حمایت از حقوق مدنی زنان:

ماده ۱۵ کنوانسیون، برخی از حقوق مدنی که زنان

باید به صورت مساوی با مردان از آن بهره‌مند شوند را به دولت‌ها ابلاغ می‌کند. براساس این ماده، زنان افغانستان باید در امور مدنی اهلیت قانونی برابر با مردان داشته و امکان اجرای مساوی این اهلیت نیز به آنها داده شود. زن افغانستانی باید در انعقاد قرارداد و اداره امور از حقوق مساوی با مردان برخوردار باشند. در تمام مراحل دادرسی در محاکم با زن باید رفتار مساوی صورت گیرد. زنان باید در رابطه با قانون رفت‌وآمد، انتخاب مسکن و محل اقامت با مردان برابر باشند. بنابراین و با استناد به ماده پانزدهم کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، دولت افغانستان موظف است که تمامی قراردادهای و یا اسناد خصوصی دیگر را که به منظور محدود کردن صلاحیت‌های قانونی زنان تنظیم شده است را باطل نماید. اما تاکنون این بخشی از کنوانسیون در افغانستان به صورت عملی تطبیق نشده است و در محاکم عدلی و قضایی افغانستان اعتبار شهادت یک زن برابر با اعتبار شهادت یک مرد نیست؛ ضمن اینکه در بسیاری از موارد در متن جامعه زنان صلاحیت عقد قرارداد اموال و املاک را ندارند.

۶. حمایت از حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی زنان

کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، طیف به نسبت، گسترده‌تری از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان را در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۴ آورده است که باید دولت‌ها در زمینه برخورداری برابر زنان با مردان از آن حقوق تلاش‌های لازم را انجام دهند.

۷. تبعیض مثبت:

این کنوانسیون در ماده ۲ خاطر نشان می‌کند که اتخاذ تدابیر ویژه و موقتی توسط دولت‌های عضو که هدف آن سرعت بخشیدن به برابری زنان و مردان است نباید تبعیض به نفع زنان قلمداد شود. هم‌چنان این ماده تأکید می‌نماید که اقدامات ویژه مانند حمایت از ایفای نقش مادری زنان و امثال آن، حق طبیعی و انسانی زنان است و نباید جزو تبعیضات مثبت نسبت به زنان به حساب آیند.

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان، اصول تساوی بر مبنای جنسیت را مشخص و مسؤلیت دولت‌های عضو در قبال زنان را معین کرده است. به عبارت دیگر، فرایند تصویب این کنوانسیون، تهیه گزارش‌ها توسط دولت عضو و ارائه و تحلیل آن، فرهنگ جدید فهم خشونت و جنسیت را به وجود آورده است.

نقض حقوق بشری کودکان در افغانستان

خانواده‌ی آنان، اعمال شده است.

نصیراحمد کشاورز، آگاه امور سیاسی می‌گوید: «بیش‌ترین سواستفاده از کودکان را مخالفان حکومت انجام می‌دهند. چون معمول است که طالبان هر زمان در یک جغرافیا حاکمیت پیدا می‌کنند، تلاش دارند جنگ‌شان را فلسفه‌ی ایدئولوژیک دینی بدهند. به تبلیغ علیه نظام و عملکرد حکومت دست می‌یازند و آزادی‌های نیم‌پند در داخل نظام را برجسته می‌سازند و تلاش دارند تا روحیه‌ی مردم را در برابر نظام تغییر دهند و حتمیت جهاد را برجسته کنند.»



به گفته‌ی او، وقتی اطفال زیر سن حرف‌های مبلغان طالب را می‌شنوند خودجوش آماده می‌شوند تا به صفوف طالبان در برابر حکومت بپیوندند.

آقای کشاورز افزود «به نحوی گفته می‌توانم طالبان ذهنیت‌سازی می‌کنند و این در یک محدوده‌ی کوتاه زمانی انجام می‌شود. به‌طور نمونه: در ولسوالی کوهستانات ولایت سرپل ۸۰ درصد سربازان طالب جوانان و نوجوانان زیر سن هستند و این‌ها زیر تأثیر تبلیغات طالبان قرار گرفته‌اند. این تبلیغات به گونه‌ی فراخ در

سرباز جنگ استفاده می‌کنند که نقض صریح حقوق بشری کودکان است هم‌چنین این گروه‌ها از زنان و کودکان به عنوان سیر انسانی استفاده می‌کنند که باعث افزایش تلفات کودکان می‌شود.»

اما تلفات کودکان در شش ماه نخست سال جاری میلادی کاهش یافته است.

بر بنیاد یافته‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تلفات کودکان در نیمه‌ی نخست سال ۲۰۲۰ میلادی نسبت به شش ماه نخست سال ۲۰۱۹ میلادی، ۳۳ درصد کاهش یافته است.

در شش ماه نخست سال روان میلادی مجموع تلفات کودکان به ۶۳۰ تن می‌رسد که ۲۲۵ کشته و ۴۰۵ تن زخمی را دربر می‌گیرد.

در حالی که در شش ماه اول سال ۲۰۱۹ میلادی مجموع تلفات کودکان به ۹۵۱ تن می‌رسد که شامل ۱۵۹ کشته و ۷۹۲ تن زخمی بود.

در همین حال، آمارهای وزارت امور داخله نیز نشان می‌دهد که در جریان یک سال اخیر ۹.۶ درصد خشونت در برابر کودکان توسط والدین آنان، ۱۲ درصد توسط سایر اعضای خانواده و ۷۸.۴ درصد به‌وسیله‌ی افراد غیر از اعضای

وضعیت حقوق بشری زنان در بامیان؛ افزایش ارقام خشونت‌ها نشان از چه دارد؟

قرار گرفته‌اند که قریه‌های دور با فرهنگ عرفی فراموش می‌شود.

ذکیه رضایی رئیس امور زنان بامیان می‌گوید که امسال تلاش کرده‌اند به نقاط دوردست این ولایت توجه شود: «اعلام قطعنامه عمومی یکی از فعالیت‌هایی است که ریاست امور زنان بامیان انجام داده است. این ریاست تلاش کرده که برای کسب آگاهی مردم از وضعیت حقوقی و فرهنگی زنان در این ولایت اقداماتی انجام دهد.»

دوره‌ی سخت‌ترین ناشی از شیوع ویروس



ولسوالی‌ها در همکاری با عالمان دین و بزرگان محل قطعنامه سرتاسری اعلام کند.»

آگاهی از اهمیت آموزش دختران در قریه‌ها، حق میراث و پیگیری قضایی خشونت علیه زنان در اداره‌های عدلی و قضایی از دیگر تلاش‌هایی است که ذکیه رضایی می‌گوید برای کاهش خشونت با زنان صورت گرفته است.

با این حال نمی‌توان تعیین کرد که چه زمانی به جامعه‌ی ایده‌آل خواهیم رسید که حکیمه علیزاده و دیگر بانوان جوان بامیان در سر دارند، اما بی‌تردید در کوتاه مدت دست یافتنی نخواهد بود. حکیمه می‌گوید: «جامعه‌ی ایده‌آل از دید من بامیانی است که در تمام مساحت آن بدون در نظر داشت جنسیت، قوم، زبان، مذهب، همه به عنوان انسان و بشر به حقوق اساسی شان دسترسی داشته باشند، احترام شوند و کرامت انسانی شان رعایت شود. همه در کنار هم به صورت مسالمت‌آمیز در فضای عاری از خشونت زندگی کنند و دیگر زن چون زن است از برخی حقوق اساسی‌اش محروم نشود.»

اما دلیل کافی نیست، زیرا کار در راستای حقوق زنان هنوز راه طولانی پیش رو دارد. با قبول این که حساسیت‌ها ناشی از فرهنگ سنتی در بامیان در مورد فعالیت‌های زنان کمتر شده است، اما خشونت علیه زنان هنوز به صورت گسترده در ولایت بامیان اعمال می‌شود.»

دوره‌ی سخت‌ترین ناشی از شیوع ویروس

کرونا در جهان که درآمد خانواده‌ها کاهش یافت و بی‌کاری افزایش یافت، عامل دیگری است که ذکیه رضایی رئیس امور زنان بامیان به آن اشاره می‌کند. خانم رضایی در گفت‌وگو با هفته‌نامه نینرخ گفت برای ولایتی که ۶۳ درصد مردم آن زیر خط فقر هستند، فقر عامل تعیین‌کننده‌ی وضعیت جامعه است. خشونت نیز به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی با افزایش فقر بیش‌تر می‌شود.

قانون حمایت از حقوق کودکان در افغانستان، حقوق کودکان را چنین توصیف می‌کند: «حقوق کودک مجموعه‌ای از حقوق بشر ویژه‌ی کودکان است که بر پشتیبانی و نگهداری از افراد کم‌تر از هجده سال، تمرکز دارد.»

قانون حقوق کودک، یک کودک را به عنوان فردی تعریف می‌کند که به سن هجده سال نرسیده است. حقوق کودکان شامل حق بر عدم تبعیض، حق حیات، حق بقا، حق رشد، حق بر ثبت نام، برقراری ارتباط با والدین، هویت انسانی و همچنین نیازهای اساسی برای حفاظت فیزیکی، غذا، آموزش عمومی-دولتی، مراقبت‌های بهداشتی و قوانین کفبری مناسب براساس سن و رشد کودک، حفاظت برابر از حقوق مدنی کودک و آزادی از تبعیض بر اساس نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، منشأ ملی، مذهب، رنگ، قومیت یا دیگر ویژگی‌هاست.

حقوق کودکان از اجازه دادن به ظرفیت کودکان برای داشتن اختیار عمل تا اعمال نظر فیزیکی، روانی و احساسی بدون هیچ‌گونه بذرقتاری یا کودکان را دربر می‌گیرد.

با این همه کودکان افغانستان در سال روان خورشیدی بیش از هر سال دیگر از سبب بروز و گسترش ویروس کرونا و تشدید خشونت‌های جنگ و افزایش فقر و بی‌کاری به گونه‌های مختلف آسیب دیده‌اند.

آموزش حقوق بشر راه‌حل کاهش خشونت علیه زنان

جواد داگر می‌گوید که آموزش حقوق بشر متمرکز بر تغییر نگرش‌ها می‌تواند گام اساسی برای کاهش خشونت علیه زنان باشد. آقای داگر تأکید دارد که با تمام تلاش‌ها در بیش از یک‌ونیم دهه‌ی اخیر در بامیان هنوز نیاز مبرم است که برای شهروندان بامیان حقوق بشر آموزش داده شود. برنامه‌های آگاهی‌دهی نهادهای فعال در عرصه زنان و حقوق بشر بیش‌تر متمرکز بر مرکز شهرها بوده، از این جهت مورد انتقاد نیز

گفت‌وگو با زرقا یفتلی، رئیس مرکز تحقیقات حقوق زنان و اطفال

بررسی فعالیت حقوق بشری نهادهای مدنی

در گفت‌وگو با زرقا یفتلی



حسین احمدی

خانم یفتلی، شما به عنوان کسی که در رأس یک نهاد مدنی کار می‌کنید و توجه ویژه‌ای بر حقوق زنان و کودکان دارید، بررسی شما از وضعیت حقوق بشری زنان و کودکان در افغانستان چیست؟

تشکر از شما، من نیم‌رخ را می‌خوانم و گزارش‌هایی را که شما نشر می‌کنید می‌شنود به عنوان منابع معتبر در مورد زنان به آن استناد کرد. با وجودی که طی دو دهه اخیر برای پیشرفت و بهتر شدن وضعیت حقوق بشری کارهای زیادی صورت گرفت ولی متأسفانه هنوز هم حقوق بشر در افغانستان با چالش‌های متعددی مواجه است. برای بهبود وضعیت زنان و کودکان بسیار فعالیت شد. کمک‌هایی که در این راستا صورت گرفته، بدون تأثیر نبوده؛ اگر می‌بینم که امروز نسبت به دو دهه قبل وضعیت زنان و کودکان بهبود یافته، زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی - سیاسی و اقتصادی مشارکت دارند، طبیعی است که امتیاز این تغییر برمی‌گردد به کارهایی که در این عرصه صورت گرفته است. امروز بیش از نُه میلیون کودک مصروف آموزش در معارف هستند که بهبود وضعیت حقوق بشری کودکان در کشور را نشان می‌دهد. روند رو به رشد دسترسی زنان و کودکان به خدمات صحتی و کاهش مرگ و میر مادران و نوزادان نیز نشان می‌دهد که شهروندان کم‌کم به حقوق بشری شان دست می‌یابند. سهولت در دسترسی به عدالت، نیز از تغییراتی است که طی دو دهه اخیر به وجود آمده است. این‌ها تغییراتی است که در مدت نزدیک به بیست سال به وجود آمده، اما هنوز هم مشکل‌های زیادی تا رسیدن به شرایطی که حقوق بشری شهروندان به صورت کامل تأمین شود، وجود دارد.

شما گفتید که چالش‌های متعددی فراروی دسترسی شهروندان به حقوق بشری شان وجود دارد. شاید یکی از عوامل عمده نقض حقوق بشری افراد و محرومیت افراد از حقوق بشری شان مسأله‌ی نامنمی باشد. بدون شک، نامنمی باعث شده است که زنان و کودکان بیش از هر قشر دیگری در دسترسی به حقوق انسانی شان دچار مشکل شوند. جنگ و پیامد ناگوار آن یعنی فقر سبب شده که امروز ۳۷ میلیون کودک از آموزش محروم شوند. با تأسّف که ۶۷ درصد از این کودکان را دختران تشکیل می‌دهند. در برخی مناطق کشور دخترانی هم که به مکتب می‌روند از صنف‌های هفت تا ده شمار زیادی از آنان مجبور به ترک آموزش می‌شوند. از سویی هم آزار جنسی بدترین تهدید بر حقوق بشری زنان و کودکان است که باعث شده شماری از بانوان خودشان بر خود مانعیت وضع کنند و از مشارکت در دسته‌های اجتماعی خودداری کنند.

عملکرد حکومت برای بهبود وضعیت حقوق بشری در کشور کافی است یا نه؟ چون حکومت باید قوانین و پالیسی‌هایی را در این راستا طرح و تطبیق کند. در قسمت قوانین و پالیسی‌ها فکر می‌کنم در افغانستان ما مشکل نداریم. چون ما از لحاظ قوانین بسیار غنی هستیم. اما قانون منع خشونت علیه زنان و کودکان ماجرای بلندی داشت و تصویب نمی‌شد،

هنوز هم خلاهای قانونی نیز در بسیاری موارد وجود دارد!

ما از لحاظ قوانین بسیار غنی هستیم. قوانین بسیار خوبی را داریم که حتی در سطح منطقه نظیر قوانین ما وجود ندارد. ما در افغانستان به خاطر نداشتن قوانین دچار مشکل نیستیم، مشکلات ما از اثر عدم تطبیق قوانین است. فساد که در دستگاه حکومت وجود دارد، سبب می‌شود که قوانین تطبیق نشود. عدم تطبیق قوانین، هرج و مرج و انارشینسم را در اجتماع به وجود می‌آورد.

نهادهای مدنی نیز در این راستا مسؤولیت خطیری دارند. عملکرد نهادهای مدنی در راستای بهبود وضعیت حقوق بشری در کشور چگونه است؟

شده که عدم اعتماد بین مردم و جامعه مدنی به وجود بیاید و کارکردهای نهادهای مدنی پرسش‌انگیز باشد.

شما خودتان هم در رأس یک نهاد مدنی قرار دارید که در راستای حقوق زنان و کودکان فعالیت دارد؛ شما بیش‌تر بر کدام بخش‌ها تمرکز دارید؟

کارهای ما متمرکز بر تحقیق، آگاهی‌عامه و دادخواهی است. طی شانزده سال فعالیت این نهاد ما توانستیم تحقیق‌های مختلف در راستای مشکلات اجتماعی زنان و کودکان انجام دهیم. تحقیق‌هایی را که «نهاد تحقیق حقوق زنان و اطفال» انجام داده، به عنوان یک منبع دست اول در تدوین قوانین، مقررات و پالیسی‌های



نهادهای مدنی، نهادهای اجرایی نیستند. ضمانت اجرایی وجود ندارد که این نهادها را صلاحیت و مسؤولیت تطبیق کننده امور داده باشد. نهادهای مدنی در عرصه‌های مختلف کار کرده‌اند. اما در مورد حقوق بشر، عملکرد نهادهای مدنی برمی‌گردد به دادخواهی، آگاهی‌دهی و اطلاع‌رسانی؛ در مواردی هم برای طرح و تطبیق قوانین با نهادهای مسؤول دولتی همکاری می‌کنند. تغییری را که در ذهنیت‌ها و اجتماع می‌بینیم، اعطاف‌پذیری که در همدیگر‌پذیری و کثرت‌گرایی دیده می‌شود، رشد سطح معلومات و دسترسی مردم به اطلاعات، تا یک حدی نتیجه‌ی دخالت و تلاش نهادهای مدنی بوده، ولی نمی‌خواهم این‌گونه بیان کنم که نهادهای مدنی خیلی خوب بودند، فعالیت‌های بسیار خوب داشتند و امروز هرچه هست از برکت موجودیت نهادهای مدنی است. متأسفانه در بین نهادهای مدنی نیز ما نهادهایی را داریم که کارکرد شان شفاف نبوده و باعث

ملی و بین‌المللی مرتبط با افغانستان استفاده شده است. هم‌چنین تلاش ما برای کاهش خشونت و دسترسی افراد به حقوق بشری شان بوده است. ما با تدویر برنامه‌های آگاهی‌عامه به زنان آموزش می‌دهیم تا در زمانی که حقوق بشری زنان نقض می‌شود چگونه به مراجع مسؤول بروند و برای دسترسی به عدالت تلاش بکنند. قانون منع آزار و اذیت یکی از جمله قوانین حقوق بشری است که نهاد ما مسوده‌ی آن را آماده کرده است.

یک انتقاد بر عملکرد نهادهای مدنی وارد است: این که فعالیت‌های اکثر این نهادها بر پایتخت کشور و شهرهای بزرگ متمرکز است. یعنی فعالیت شان فراگیر نبوده؛ آیا شما در ۳۴ ولایت کار می‌کنید؟

فعالیت نهادهای مدنی نظر به امکانات و منابعی که دارند، ساحه پوشش و کار شان نیز متفاوت است. ما در ۱۶ ولایت افغانستان کار می‌کنیم. حتی در ولایت‌های نامساعد از نگاه امنیتی نیز کار می‌کنیم.

یکی از خواست‌های مردم این است که نهادهای مدنی و موسسه‌ها باید در مناطقی کار کنند که تا هنوز از لحاظ ارائه خدمات بشردوستانه محروم بوده‌اند. آیا زمینه‌سازی برای ارائه چنین خدماتی از سوی دولت و مردم محل صورت می‌گیرد؟

حکومت فقط در جاهایی می‌تواند برای ارائه خدمات بشردوستانه هماهنگی و زمینه‌سازی کند که حضور داشته باشد. ما نمی‌توانیم از حکومت توقع داشته باشیم در ولسوالی‌هایی که تحت تسلط نیروهای امنیتی نیست، برای ما زمینه‌سازی کند تا برنامه‌های خود را تطبیق کنیم. ارائه خدمات سراسری برای نهادهای مدنی و خود حکومت زمانی ممکن است که صلح پایدار در کشور وجود داشته باشد. تا زمانی که صلح نباشد، تا زمانی که در یک منطقه به لحاظ ساختاری اداره‌های حکومت فعال نباشد، ما نمی‌توانیم برای مردم خدمات بشردوستانه ارائه کنیم.

از موانع جدی فراراه ارائه خدمات بشردوستانه برای مردم در بسیاری از موارد، فعالیت گروه‌های مسلح مخالف دولت به ویژه حضور گروه طالبان است. آیا برخورد طالبان با نهادهای مدنی و نهادهایی که برای مردم خدمات بشردوستانه مثل صحت، آموزش و کمک‌های اضطراری ارائه می‌کنند، تغییر کرده و یا نه؟

به نظر من برخورد‌ها تغییر نکرده است. متأسفانه در مناطقی که تحت حاکمیت حکومت نیست برخورد‌ها هیچ‌نوع تغییری نکرده، به طور نمونه: در بسیاری از مناطق که دختران نیاز به آموزش دارند، از این حق بشری شان محروم می‌شوند. در مناطقی که گروه طالبان حضور دارند، یک تعداد پروژه‌های انکشافی وجود دارد، اما برنامه‌های حقوق بشری، اگر هم قرار باشد تطبیق شود باید از قبل هماهنگی صورت بگیرد که کدام موضوعات اجازه دارد گفته شود و کدام موضوعات نیاز نیست گفته شود. در این قسمت محدودیت‌های بسیار زیاد دارد. نهاد ما شانزده سال است که فعالیت می‌کند ولی ما در مناطقی که تحت تسلط دولت نباشد نمی‌توانیم برنامه‌هایی را تطبیق کنیم که در سایر مناطق کشور انجام می‌دهیم.

نیم‌رخ دیگر



دیدگاه
کلمه لطیف آرش

روزی که زن دوم شوهرش به خانه آمد

کلمه به برگ‌های سبز چای داخل پیاله‌اش خیره شده بود. برگ‌های چای در داخل پیاله رقص کنان پایین می‌رفتند. پیاله‌ی چای داغ را به گونه‌ی پیش چسپانده بود. حرارت چای درد گونه‌اش را کمی تسکین می‌داد. امشب بازم به تحریک و شیطنانی کسی از دست شوهرش لت خورده بود. از روزی که به عنوان زن دوم شوهرش به خانه آمده بود، رابطه‌ی او و شوهرش تیره و تار شده بود. هر شام وقتی شوهرش به خانه می‌آمد، بدون مقدمه چند فحش آبدار تارش می‌کنند. اگر علت قهر و دشنام دانش را بپرسد امکان دارد مورد لت‌وکوب قرار گیرد.

او همیشه با خود می‌اندیشید که شوهرش چگونه از تمام وقایع که در جریان روز در خانه اتفاق می‌افتد، باخبر می‌شود. اما یک روز دختر بزرگش برایش توضیح داد که اقبالش جریان مشاخره‌ی روزانه را اول ثبت می‌کند و سپس قسمت‌هایی را که او حرف زده از طریق واتس‌آپ به شوهرش ارسال می‌کند. دو سال قبل از زبان یکی از دوستانش شنیده بود که شوهرش به تازگی زن دوم گرفته است. باورش نمی‌شد، تا این که چند روز بعد شوهرش برای یک‌وینیم ماه به شهر ذبی رفت و در زمان برگشت با یک دختر هم‌سن دختر دومش به خانه آمد.

از زبان مردم شنیده بود که این دختر در خراج تحصیل کرده است و در پارلمان وظیفه دارد. روز اول که شوهرش با یک دختر به خانه آمده بود، به یاد گذشته افتاده بود و به یادش آمده بود که بعد از عروسی شان شوروی‌ها به کشور آمده بودند و شوهرش مثل سایر مردهای روستا تحت فرماندهی مولوی روستا جنگ افزار برداشته بود و به جنگ روس‌ها رفته بود.

به‌یادش آمد که همه روزه در تور نان پخته می‌کرد و با غذای محلی به پایگاه شوهرش می‌برد و در یکی از روزها که از پایگاه شوهرش به خانه می‌آمد، در مسیر راه یک بمب که از جنگنده‌ی روسی بر تاپ شده بود، ران پیشش را بریده بود و به ماه‌ها در بستر بیماری افتاده بود، سال‌ها سپری شد و روس‌ها از افغانستان بیرون شدند و شوهرش بعد از کشته شدن مولوی روستا به فرمانده مهم مبدل گشته بود.

هنوز یک سال از وکالت شوهرش در پارلمان سپری نشده بود، که رویه‌اش با او تغییر کرد. شب‌ها ناوقت به خانه می‌آمد و هر هفته یک بار به ذبی و یا ترکیه سفر می‌رفت. در یکی از روزها که جهت اشتراک به محفل عروسی یکی از دوستانش رفته بود، یکی از خوششان‌اندانش برایش گفته بود که شوهرش را چندین بار با یک دختر جوان دیده است. زمانی که شب به خانه برگشته بود و قضیه را با شوهرش در میان گذاشته بود از سوی شوهرش به شدت لت‌وکوب شده بود.

گیلاس چای کم کم سرد شده می‌رفت و دیگر درد گونه‌اش را تسکین نمی‌داد. دخترش تلویزیون را روشن کرد، هنوز پردی تلویزیون روشن نشده بود، اما صدایی که از لاسپیکرهای تلویزیون پخش می‌شد برایش آشنا بود. زمانی که صفحه‌ی تلویزیون روشن شد، اقبالش در یکی از تلویزیون‌ها درباری زنان حرف می‌زد و از جامعه‌ی مردسالار افغانستان انتقاد می‌کرد. او از حرف‌هایش سر در نمی‌آورد و مفهوم واژه‌های مردسالاری، جامعه سنتی، برابری جنسیتی را درک نمی‌کرد.

در جریان صحبت‌هایش گفت که «زنان تحصیل کرده و فعال در عرصه حقوق زن نباید هم‌دمت مردان سنتی افغانستان شوند» و در ادامه گفت «دختران جوان نباید به زن دوم یک مرد صاحب مقام و موفق شود و مسبب درد و رنج زن اول آن مرد گردد و دختران باید این جرات اخلاقی را داشته باشند که فریب زرق و برق و مادیات را نخورند...» اقبالش هم‌چنان در ستدیوی تلویزیون با مجری برنامه از مبارزه با مردسالاری و رعایت حقوق زنان حرف می‌زد، اما او با خشم به صفحه‌ی تلویزیون نگاه می‌کرد و گیلاس چای را به گونه‌ی پیش چسپانده بود.

- صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: فاطمه روشنیان
- سردبیر و ویراستار: ملک مبارز
- گزارشگران: حسین احمدی، لطیفه سادات موسوی و عادلہ آذین
- عکاس: حمیده مهردل
- صفحه‌آرا: اولیا عماد
- توزیع: کانون فرهنگی زنگ صبح ۰۷۴۴۰۲۱۹۵۲
- زیر نظر گروه نویسندگان

بازتاب تمام رخ زنان

- خوانندگان عزیز؛ نیم‌رخ بدون جهت‌گیری خاص سیاسی، مقالات و نوشته‌ها را از صاحب‌نظران نشر می‌کند.
- جز رویکرد نیم‌رخ، مسؤولیت مطالب دیگر به دوش نویسندگان است.
- هفته‌نامه‌ی نیم‌رخ در ویرایش مطالب دست باز دارد.



هفته‌نامه نیم‌رخ NimrokhWeekly

www.nimrokh.af

mail@nimrokh.af

0798898894